ارتش‌های دست‌ساز آمریکا در عراق و افغانستان فروپاشید

سرلشکر غلامعلی رشید، فرمانده قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیاء(ص) در مراسم گرامیداشت هفته دفاع‌مقدس بیان کرد: دشمن نه از حجم و شکل موشک‌ها یا شعاری که هنگام آزمایش یا کوبیدن مواضع ضدانقلاب روی موشک‌ها می‌نویسند (که در جای خود مهم هستند) بلکه از استقلال سیاست‌های دفاعی و قدرت تحقق آن نگران و وحشت زده است. فرمانده قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیاء(ص) با بیان این‌که دشمن از قدرت دفاعی مستقل ایران هراس دارد، گفت: با تفکر و روش آمریکایی‌ها نمی‌توان جنگید چراکه ارتش دست‌ساز آمریکا در عراق و افغانستان فروپاشید.

وی افزود: امروز با برخورداری از قدرت دریایی، ضعف در برابر حملات دشمن به نفتکش‌ها و کشتی‌های تجاری در هشت سال دفاع مقدس را به برتری ایران و ضعف تحقیرآمیز دشمن تبدیل کرده‌ایم.

دیدارهای فشرده وزیر خارجه در حاشیه مجمع عمومی سازمان ملل

مهم‌ترین تفاوت‌های دستگاه دیپلماسی کشور در دوره جدید چه بوده است؟

دوران عملگرایی در سیاست خارجی

گروه سیاسی

در جریان مذاکرات فشرده امیرعبداللهیان، وزیر خارجه، دیدار و گفت‌وگو با مقامات بیش از ۴۰ کشور جزو برنامه‌های فشرده سکاندار دستگاه دیپلماسی کشورمان بود. وی قبل از رفتن در اظهارنظری مجازی اعلام کرده بود در جریان سفر به نیویورک و شرکت در مجمع عمومی سازمان ملل متحد طی حضور چهار روزه، دیدارهای فشرده‌ای را با مقامات سیاسی کشورهای مختلف خواهد داشت. حضور در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، عرصه‌ای است برای اعلام مواضع رسمی دولت‌ها در حوزه سیاست خارجی. گرچه عملکرد و سابقه این نهاد بین‌المللی تجربه خوبی را در اذهان دولت‌ها و ملت‌ها در احقاق حقوق کشورها به‌ویژه نظام‌های سیاسی که در بلوک‌بندی قدرت‌های جهانی قرار نمی‌گیرند به یادگار نگذاشته است اما با این وصف، دولتمردان تلاش می‌کنند از این فرصت برای بیان دیدگاه‌های‌شان در حوزه‌های مختلف بین‌المللی استفاده کنند. پیش از سفر وزیر خارجه کشورمان، نگاه‌ها و ارزیابی‌های برخی جریان‌های سیاسی داخلی و خارجی معطوف به این مسأله بود که با توجه به فرصت حضور ایران در این رخداد بین‌المللی، امکانی فراهم است که بار دیگر موضوع مذاکرات برجامی با توجه به حضور طرف‌های غربی مثل گذشته در دستور کار مقامات جمهوری اسلامی ایران قرار گیرد اما این گمانه‌ها با توجه به برنامه کاری امیرعبداللهیان در نیویورک کم کم رنگ باخت و در نهایت وزیر خارجه کشورمان روز جمعه دوم مهر در گفت وگویی که داشت، اعلام کرد: «ما فعلا با اعضای ۴+۱، مذاکره نخواهیم داشت. به‌صورت فردی و دوطرفه با طرف‌های مختلف گفت‌وگو کرده‌ایم.»

طرف‌های غربی اما تاکید پیش از این با توجه به مجموعه مذاکراتی که با مدیران دستگاه اجرایی دولت یازدهم و دوازدهم داشتند، این بار هم گمان می‌کردند فرصت مذاکره برای ادامه گفت‌وگوهای کشدار و بی‌نتیجه برجام این بار هم مثل گذشته دست می‌دهد و آنها می‌توانند با استمرار سیاست مذاکره برای مذاکره بار دیگر طلبکارانه از جمهوری اسلامی ایران بخواهند به مذاکرات برگردد و تعهدات خود را مو به مو انجام دهد و هیچ طلبی هم نسبت به بی‌تفاوتی غربی‌ها نسبت به عهد و پیمان‌های گذشته نداشته باشد. این انگاره البته در ابتدای روی کار آمدن دولت سیزدهم به صورت کمرنگ در پس ذهن غربی‌ها وجود داشت اما با اظهارات صریح مقامات دستگاه دیپلماسی کشورمان به‌شدت رنگ باخت و آنها متوجه شدند کشتیبان سیاست خارجی جمهوری اسلامی از این پس با سیاست دیگری در عرصه بین‌المللی حضور پیدا خواهد کرد.

حضور مرد شماره اول دیپلماسی کشور در سازمان ملل متحد این بار با دوره‌های گذشته البته تفاوت‌های بسیاری داشت. این بار جمهوری اسلامی با دست پر در این گفت وگوها شرکت کرده بود. پذیرش عضویت ایران در سازمان همکاری‌های شانگهای و همچنین اعلام جهت‌دهی سیاست خارجی کشورمان از سوی رئیس جمهور مبنی بر برقراری روابط متوازن در عرصه بین‌المللی کم‌کم مسؤولان دستگاه دیپلماسی سایر کشورها به‌ویژه طرف‌های غربی را به این باور رساند که دیگر قرار نیست در هر گفت‌وگویی از سوی مقامات ایرانی مذاکرات برجامی به‌عنوان محور مذاکرات تلقی شود.

این نکته در نشست روز جمعه امیرعبداللهیان با خبرنگاران ارشد رسانه‌های آمریکایی به‌صراحت عنوان شده بود که اولویت اصلی دولت سیزدهم سیاست خارجی متوازن است.

این نگاه رسمی البته در جریان حضور وزیر خارجه در نیویورک واقعیت عینی خود را نشان داد. وی در این سفر با مقامات ۴۲ کشور از جمله وزیران خارجه ۴+۱ به صورت جداگانه دیدار و گفت‌وگو کرد. نکته قابل تأمل این‌که موضوع برجام هم مثل سایر موضوعات و نه با تمرکز و محوریت بیشتر در جریان ملاقات‌های امیرعبداللهیان با همتایان خود بود. محور اصلی این دیدارها عمدتا حول موضوع دیپلماسی اقتصادی بود که با جدیت دنبال شد. ملاقات و مذاکرات وزیر خارجه با مقامات هند، ویتنام، کوبا، ساحل عاج، نیجریه، ترکیه، عراق، نامبیا و بلاروس در کنار گفت‌وگوهایی که درباره افزایش سطح همکاری ایران با کشورهایی مثل فرانسه، ایتالیا، دانمارک، انگلیس، اسپانیا و... صورت گرفت، حاکی از بود که سیاست کلی وزارت خارجه کشورمان مبنی بر نگاه دستچین شده نسبت به برقراری روابط با کشورهای دنیا نیست بلکه مبتنی بر همان سیاست متوازنی است که شعار دولت سیزدهم بر آن بنا شده است.

در کنار این مسأله توجه به مسأله یمن، وضعیت افغانستان، همکاری با سازمان ملل در مسائل منطقه‌ای، گفت وگو بر سر تهیه واکسن کرونا، توجه و تذکر دادن نسبت به وضعیت انسانی در افغانستان در کنار شرکت در مجامع علمی، اندیشکده‌ها و دیدار با رسانه‌ها از دیگر موضوعاتی بود که از سوی وزیر خارجه کشورمان پیگیری شد. از دیگر موضوعات مهم در جریان سفر امیرعبداللهیان به نیویورک، فشردگی و تعدد برنامه‌های کاری و حجم دیداری‌های صورت گرفته با مقامات سیاسی سایر کشورها بود.

چندی پیش بود که علیرضا شیخ عطار در گفت‌وگویی با جام‌جم به این نکته اشاره کرد که به عنوان کسی که سابقه حضور در ملاقات‌های حاشیه نشست عمومی سازمان ملل متحد در دوره‌های گذشته داشته باید گفت این تعداد ملاقات‌های امیرعبداللهیان رکورد جدیدی را از تعداد ملاقات‌های صورت گرفته به‌جای گذاشته است.

تکیه بر گفتمان انقلاب؛ مهم‌ترین تفاوت دیپلماسی در دوره جدید

ابوالفضل ظهره‌وند، کارشناس مسائل بین‌الملل و معاون اسبق شورای عالی امنیت ملی در گفت‌وگو با جام‌جم به تبیین تفاوت‌های دیپلماسی در دولت سیزدهم و دوره مسؤولیت امیرعبداللهیان و دوره ظریف پرداخت.

ظهره‌وند مهم‌ترین مؤلفه متفاوت سیاست خارجی در دوره جدید را تکیه بر گفتمان انقلاب و استقلال استراتژیک دانست و تصریح کرد: ما به‌عنوان یک کشور ویژه که گفتمان خاص خود را در محیط بین‌الملل مطرح می‌کند بر استقلال و اراده استراتژیک نه شرقی نه غربی تأکید داریم.

ایران خواهان مناسبات برابر در عرصه بین‌الملل است

سفیر اسبق کشورمان در ایتالیا و افغانستان با تأکید بر این‌که ایران خواهان یک مناسبات کاملا برابر در عرصه بین‌الملل است، افزود: مناسبات ما با سایر کشورها باید برابر باشد به این معنا که نه ضرر می‌رسانیم و نه متوجه ضرر خواهیم شد.

وی واقع‌بینی در روابط با اتکا بر استقلال استراتژیک را مهم‌ترین ویژگی دوره جدید در دیپلماسی برشمرد و گفت: ما در این دوره اسیر فرم نیستیم و دولت سیزدهم خود را در چارچوب و فرم و ادبیات گفتمان رایج محدود نکرده که البته این به معنای بی‌اعتنایی هم نیست.

ظهره‌وند اظهارنظر صریح درباره مواضع را یکی دیگر از ویژگی‌های دوره جدید عنوان کرد و یادآور شد: این ویژگی سبب شده طرف مقابل هم با رعایت ملاحظات امنیت ملی کشورمان، پیگیر تعامل خود با جمهوری اسلامی باشد.

دیپلماسی فرمالیستی، اسیر فرم بود

«گاهی شما خود را در پروتکل‌ها منحصر می‌کنید اما در عمل هم خود را یک کشور دست دوم می‌دانید، به این معناکه ما با لبخند عکس می‌گرفتیم و نسبت به آینده اظهار خوشبینی می‌کردیم اما وقتی بر سر میز مذاکره می‌رفتیم، خود را در جایگاه متهم می‌دانستیم، نه یک کشور مطالبه‌گر. ما این وضعیت را در برجام شاهد بودیم که معتقد بودند اگر بر سر میز مذاکره نشستید حتما باید امتیازی داده باشید.»

ظهره‌وند با تأکید بر این‌که مذاکره در دولت سیزدهم هدف نیست بلکه یک ابزار صرف برای تأمین منافع ملی کشورمان است، خاطرنشان کرد: مذاکره صرفا برای این صورت می‌گیرد که بتوانیم فرصت‌های خود را به‌خوبی احصا و تهدیدات احتمالی را مهار و خنثی کنیم اما متأسفانه این نگاه در دیپلماسی فرمالیستی که اسیر شکل بوده است، دیده نمی‌شود.

دیپلماسی فقط در میدان معنا پیدا می‌کند

این کارشناس مسائل بین‌الملل با اشاره به تفاوت توجه به میدان و دیپلماسی در دوره جدید عنوان کرد: اساسا در دنیای معاصر و شرایط کنونی آن‌هم در بین کشورهایی که روی یکدیگر تأثیرات منطقه‌ای و جهانی دارند، دیپلماسی فقط در میدان معنا پیدا می‌کند و دیپلماسی خارج از میدان صرفا یک فرم است.

وی با بیان این‌که دیپلماسی در میدان بر پایه مؤلفه‌های قابل‌دسترسی و مؤلفه‌های در اختیار و توجه به مؤلفه‌های ژئوپلتیک معنا دارد، گفت: شما باید بتوانید منافع کشور خود را در میدان با استفاده از دیپلماسی و با هماهنگ کردن سایر دستگاه‌ها دنبال کنید، بنابراین در این شرایط یک توزیع مسؤولیت مناسب در میدان با هدایتگری دستگاه سیاست خارجی اتفاق خواهد افتاد که نتیجه آن تغییر در موقعیت و سفره مردم، تولید ناخالص ملی و تغییر در تهدیدات خواهد بود.

ظهره‌وند یادآور شد: در حال حاضر بیشتر کشورها می‌خواهند ببینند ایران چه تغییری در دیپلماسی خود داده و از این رو وزیر خارجه جدید در حاشیه مجمع عمومی سازمان ملل تلاش داشت نگاه دستگاه دیپلماسی را برای طرف‌های مقابل به‌خصوص کشورهای غربی تبیین کند و در عین حال نشان دهد دولت سیزدهم هم به دنبال اقدام و عمل است و هم ملاحظات را موردتوجه قرار می‌دهد.

۴ ویژگی مهم در دوره جدید دیپلماسی

سید مصطفی خوش‌چشم، تحلیلگر مسائل راهبردی و بین‌الملل در گفت‌وگو با جام‌جم به تبیین مهم‌ترین مختصات تغییر در دستگاه دیپلماسی در دوره جدید نسبت به دوره گذشته پرداخت. خوش‌چشم در خصوص مهم‌ترین تفاوت‌های دیپلماسی در دولت سیزدهم با دولت گذشته گفت: به نظر می‌رسد هنوز برای چنین مقایسه‌ای زود باشد، چرا که دولت تازه شروع به کار کرده و آقای امیرعبداللهیان نیز به‌تازگی در سمت وزیر خارجه کار خود را شروع کرده و هنوز انجام تغییرات ساختاری مورد نظر وزیر خارجه به انجام نرسیده است.

سیاست خارجی در هشت سال گذشته تحت تاثیر فشار اقتصادی تحریمی آمریکا

این کارشناس مسائل بین‌الملل در عین حال افزود: البته از لحاظ دیدگاه و استراتژی باید گفت از زمان انتخاب آقای رئیسی توقع بر این بود نوع سیاست‌ورزی ما در سیاست خارجی تفاوت مشهودی با هشت سال گذشته داشته باشد و به نظر می‌رسد این توقعات بر اساس اظهارات مسؤولان فعلی انجام خواهد شد.

وی بر همین اساس ادامه داد: در دو دهه گذشته به‌ویژه هشت سال اخیر سیاست خارجی جمهوری اسلامی تحت تاثیر فشارهای روزافزون اقتصادی تحریمی آمریکا در ذیل توجه خاص و کانونی به حل اختلاف با ایالات متحده آمریکا متفاوت بوده و از گسترش روابط با دیگر مناطق و کشورهای جهان خارج از حوزه بلوک غرب و استفاده از ظرفیت‌های موجود اقتصادی در مناطق دیگر، کمتر بهره برده است.

خوش‌چشم یادآور شد: توقع این است سیاست خارجی دولت آقای رئیسی با حضور آقایان امیرعبداللهیان و علی باقری به سمت سیاست خارجی با چهار خصیصه راهبردی بودن، توازن، کنشگری و اولویت بخشی به اقتصاد پیش برود.

این تحلیلگر مسائل راهبردی و بین‌الملل افزود: خصیصه راهبردی بودن به این معناست که باید یک پازل کلی از روابط با همه کشورها با وزن مشخص برای روابط با هریک از مناطق جهان ترسیم شود.

وی دومین خصیصه سیاست خارجی را متوازن بودن برشمرد و گفت: سیاست خارجی کشورمان نباید تحت تاثیر فشارهای غرب منفعل شود. از این رو باید با کشورهای مختلف جهان روابط متوازن داشته باشد و از تمام ظرفیت‌های موجود بهره گیرد، درحالی که در دو دهه گذشته از روابط با آمریکای لاتین، آفریقا، چین، روسیه و کشورهای منطقه و همسایه غفلت کرده است.

انتظار سیاست خارجی کنش‌گرانه در دولت سیزدهم را داریم

این کارشناس مسائل سیاست خارجی در تشریح کنشگری به عنوان سومین ویژگی سیاست خارجی دوره جدید بیان کرد: متاسفانه کشور ما تحت تاثیر فشارهای اقتصادی-تحریمی آمریکا منفعلانه عمل کرده و از این رو انتظار است با اتخاذ سیاست‌های پویا و فعال از یک سیاست خارجی کنشگرانه برخوردار شود. وی گفت: ما باید بتوانیم از ظرفیت ایرانیان خارج از کشور و همچنین دیپلماسی‌های دیجیتال، حمل‌ونقل، سلامت و واکسن و به‌ویژه عمومی و رسانه استفاده دقیقی داشته باشیم.

خوش‌چشم چهارمین ویژگی سیاست خارجی مطلوب در دوره جدید را هم اولویت بخشی به حوزه اقتصاد عنوان کرد و یادآور شد: باید بر مبنای منافع اقتصادی به منظور بهبود معیشت مردم به روابط با کشورهای دیگر نگاه کنیم. این تحلیلگر مسائل راهبردی و بین‌المللی افزود: در حال حاضر باید دید آیا آقای امیرعبداللهیان در توسعه ساختار وزارت خارجه و تغییرات آن و همچنین در ایجاد تیمی مناسب برای این کار موفق خواهد بود یا خیر اما آنچه تاکنون از ایشان دیده شده کنشگری و نگاه فعالانه به روابط با کشورهای مختلف بوده که این موضوع را می‌توان در دیدارهای فشرده در حاشیه مجمع عمومی سازمان ملل ملاحظه کرد.

تحلیل

چرا سیاست ایران در سوریه و افغانستان متفاوت است؟

علی کمالی
استاد علوم سیاسی دانشگاه

تحولات میدانی و اوضاع پرتنش افغانستان، همسایه شرقی جمهوری اسلامی ایران طی هفته‌های اخیر، درنهایت به تصرف بخش معظمی از مناطق این کشور توسط طالبان و تشکیل دولت توسط این گروه منتهی شده است. از همان روزهای آغازین پیشروی طالبان، برخی تحلیلگران داخلی و جریان‌های سیاسی، متغافلانه ورود میدانی ایران را به نبرد با طالبان در خاک افغانستان خواستار شدند و برخی نیز ضمن تأیید مواضع حال حاضر ایران اسلامی در قبال تحرکات طالبان، آن را به‌عنوان شاهدی بر نادرستی سیاست جمهوری اسلامی ایران در ورود میدانی به سوریه و تقابل با گروهک داعش مورد استناد قرار می‌دهند. دلیل اصلی این لغزش‌ها در تحلیل، باور به این‌همانی میان طالبان و داعش است. درواقع، این تحلیلگران با نگاهی ساده‌انگارانه، گروهک تروریستی-تکفیری داعش را با گروهک طالبان همسان انگاشته و مؤلفه‌ها و اجزای تحلیل را بر همین مبنا استوار می‌سازند؛ حال‌آن‌که میان این دو گروهک تفاوت‌های بسیاری وجود دارد که نادیده انگاشته شده است. یکی از این تحلیلگران که با این‌همانی ساده‌انگارانه میان گروهک طالبان و داعش دچار خطای تحلیل شده، شهاب‌الدین حائری‌شیرازی است. آقای حائری ضمن یادداشت تلگرامی، سیاست جمهوری اسلامی ایران در ورود میدانی به سوریه و مقابله با گروهک تروریستی داعش را تخطئه می‌کند و ضمن تأیید مواضع حال حاضر ایران اسلامی در قبال تحرکات طالبان در خاک افغانستان، آن را به‌عنوان شاهدی بر صحت مقال خود مورد استناد قرار می‌دهد. نویسنده تلویحا بر این باور است که تصمیم‌سازان حوزه امنیت ملی، به خطای راهبردی خود در مداخله نظامی در سوریه پی برده‌اند و لذا در مساله مشابه (موضوع افغانستان)، جانب بی‌طرفی را اتخاذ کرده‌اند. حال آن‌که نخبگان این حوزه در آن روز، ناصحانه و با نیک‌خواهی، این خطای راهبردی را متذکر شده بودند. مخلص کلام نویسنده در اثنای یادداشت آمده است. آنجا که می‌نویسد: «در مساله ورود ایران به سوریه، مهم‌ترین دلیلی که عنوان شد این بود که ما در سوریه با داعش می‌جنگیم تا در کنار مرزها با داعش مواجه نشویم؛ حال آن‌که با توجه به دشمنی ما و اسرائیل، این استراتژی به شکل‌گیری یک وحدت عبری-عربی و سپس بین‌المللی علیه ما انجامیده که فی‌الحال به چالشی برای ما در مساله رفع تحریم، مبدل شده است. از طرف دیگر طالبان که بی‌شباهت به همان داعش نیست به‌ناگاه هم‌مرز ما شد تا بیش از پیش سست بودن آن استدلال را نمایان کند».

تحلیل آقای حائری‌شیرازی بر دو پیش‌فرض مبتنی است. در پیش‌فرض نخست، نویسنده تلویحا بر این باور است که تصمیم‌سازان حوزه دفاعی و امنیتی کشور، ورود میدانی ایران در نبرد سوریه را درمجموع، خطای راهبردی قلمداد کرده و با عبرت از آن، دوراندیشانه تصمیم به کناره‌گیری از ورطه غائله افغانستان گرفته‌اند. نکته درخور اهتمام آن است که بدون ذکر گواه یا استنادی در این باب، این مدعا به‌مثابه یک پیش‌فرض، مبنای نظر نویسنده قرار می‌گیرد. اگرچه مقبول نبودن و بی‌پایگی حتی یک پیش‌فرض در تحلیل، زنجیره استدلال را منقطع و مقال را مردود می‌شمارد، ولی دلایل دیگری نیز در رد پیش‌فرض دوم وجود دارد که در ادامه ذکر خواهد شد. همان‌گونه که در مطلع بحث بیان شد، دلیل اصلی خطای افرادی نظیر آقای حائری، پیش‌فرض اصلی تحلیل ایشان در همسان‌پنداری گروهک داعش و طالبان است. در واقع، آقای حائری، خواه‌ناخواه دچار مغالطه تمثیل ناروا یا قیاس مع‌الفارق شده است. ایشان متغافلانه موضوع سوریه و تقابل با داعش را با مساله افغانستان و تحرکات طالبان قیاس کرده است و از وجوه شبه موجود فی‌مابین، تشابهات دیگری استنباط کرده که صحیح نیست. در ادامه، به برخی تفاوت‌های نظری و عملی گروهک داعش و طالبان اشاره شده است:

نخست آن‌که نویسنده باید بداند آنچه در سوریه رخ داد و پیکره این ملت و سرزمین همچنان پس‌لرزه‌های آن را احساس می‌کند، وقوع یک جنگ داخلی نبود، بلکه ورود یک گروهک تروریستی سازمان‌یافته و تکفیری چندملیتی بود که با تأمین مالی و پشتیبانی دشمنان جمهوری اسلامی، درصدد نابودی جبهه مقاومت و قطع بازوان ایران اسلامی در منطقه بودند؛ گروهکی که داعیه حکومت جهانی داشت و از اوان تأسیس، به هواخواهان نابخرد خود، وعده اشغال تهران را می‌داد. این در حالی است که خاستگاه طالبان، ملت افغانستان است و گروهی برآمده از بافتار اجتماعی افغانستان هستند؛ گرچه قطعا نماینده اکثریت نیستند. دوم آن‌که طالبان هیچ‌گاه داعیه کشورگشایی نداشته و خواهان تکوین امارت اسلامی در محدوده قلمرو سرزمینی افغانستان است نه خلافت جهانی. باید توجه داشت فقه‌الاماره طالبان با فقه‌الخلافه داعش بسیار متفاوت است. امارت اسلامی بازی با منطق دولت-ملت را پذیرفته و حوزه اختیار امیر را واحد دولت-ملت و در محدوده سرزمین معین می‌داند، لذا بیشتر تعاملی است اما خلافت اسلامی که گروهک تکفیری داعش باورمند به آن است، جهان را به دارالکفر و دارالاسلام تقسیم می‌کند و داعیه حکومت بر کل سرزمین‌های اسلامی تحت پرچم واحد را دارد و بالتبع به‌نحوی اجتناب‌ناپذیر، رویکرد تهاجمی داشته و خواهد داشت.

سومین نکته‌ای که مغفول خامه نویسنده بوده، خواست و مطالبه ملت افغانستان است. در عراق و سوریه، ابتدا مردمان این کشورها در مقابل تعرضات و جنایات تروریست‌های تکفیری داعش ایستادند و با درخواست رسمی ملت و دولت سوریه و عراق، ایران اسلامی به میدان نبرد با داعش وارد شد. حال آن‌که این موضوع در مساله تحرکات طالبان در افغانستان متفاوت است و طیف کثیری از ملت افغانستان با قدرت‌گیری طالبان نه‌تنها مخالفتی ندارند، بلکه در برخی نقاط، به استقبال آن رفتند. ماجرای پنجشیر نیز محصول اختلافات قومی است و مورد حمایت و پشتیبانی عملی قاطبه ملت افغانستان قرار نگرفت و ایران اسلامی نیز باید با تمام توان، در راستای برقراری و تداوم صلح گام بردارد، اما ورود به یک نزاع قومی و قبیله‌ای امری نادرست است.

با لحاظ این نکات، باید توجه داشت این‌همانی گروهک تکفیری داعش و گروهک طالبان، ساده‌سازی امر پیچیده است و جز دور کردن انسان از مسیر صحیح تصمیم‌گیری، کمکی به اتخاذ راه‌حل صحیح نمی‌کند.

در پایان لازم است تأکید کنم این مکتوبه، هرگز درصدد تطهیر چهره گروهک طالبان نبوده و برخی جنایات که در خلال منازعات و به‌ویژه اشغال دره پنجشیر صورت گرفته و می‌گیرد به‌شدت محکوم است، اما با وجود این تلاش داشت در نگاهی به‌دوراز تعصبات و احساسات، تفاوت‌های گروهک طالبان و گروهک تکفیری داعش را بیان دارد و دلیل مداخله ایران در موضوع سوریه و عراق و مواضع فعلی در قبال مساله افغانستان را تبیین و کمی روشن‌تر کند.